

واکاوی نشانه‌های پیامبر نزد اهل کتاب و تعامل ایشان با اهل کتاب از منظر قرآن

مریم مسعودی^۱

^۱ پژوهشگر سطح ۴ حوزه

چکیده

این مقاله به بررسی تعاملات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با اهل کتاب و نشانه‌های ارائه شده در قرآن و متون یهودی و مسیحی می‌پردازد. با استفاده از تحلیل‌های متنی و تاریخی، این پژوهش تلاش می‌کند تا ابعاد مختلف روابط پیامبر با یهودیان، مسیحیان، مجوس و صابئان را روشن کند. از جمله اهداف اصلی این مطالعه، تبیین نقش این تعاملات در تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد بسترهای مناسب برای گفتگو بین ادیانی است. در این مقاله، مفهوم "اهل کتاب" با تأکید بر اشتراکات و تفاوت‌های دینی و فرهنگی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. قرآن به اهل کتاب اشاره دارد و بر اهمیت تعامل و گفت‌وگو برای رسیدن به تفاهم و احترام متقابل تأکید می‌کند. آیات هم چون سوره بقره و سوره آل عمران، پایه‌های نظری این تعاملات را مشخص می‌کنند و به چگونگی برخورد پیامبر با اهل کتاب پرداخته‌اند. تحلیل نشانه‌های پیامبر در متون اهل کتاب نشان می‌دهد که این نشانه‌ها نه تنها به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده و معرفی‌کننده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به کار رفته‌اند، بلکه به عنوان اسناد تاریخی برای شناخت و درک بهتر روابط بین‌ادیانی نیز اهمیت داشته‌اند. این نشانه‌ها می‌توانند مبنایی برای گفتگو و تقویت همکاری‌های فرهنگی و مذهبی بین جوامع مختلف باشند. یکی دیگر از بخش‌های مهم مقاله، بررسی سیره پیامبر در تعاملات اجتماعی و سیاسی با اهل کتاب است. پیامبر اسلام صلوات الله علیه با اتخاذ رویکردی مدبرانه و صلح‌آمیز، تلاش کرد تا با اهل کتاب براساس احترام متقابل و اعتقاد به منافع مشترک، فضای همزیستی و همفکری را تقویت کند. این رویکرد الگویی است برای مواجهه با چالش‌های امروزی در روابط بین‌المللی دینی. نتایج مقاله نشان می‌دهند که تعاملات پیامبر اسلام صلوات الله علیه با اهل کتاب نه تنها به بهبود ارتباطات مذهبی و فرهنگی در دوران خود کمک کرد، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی ارزشمند برای ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز و تقویت گفت‌وگوهای بین‌ادیانی در جهان امروز مورد استفاده قرار گیرد. پژوهش حاضر به ترویج فهم و احترام متقابل بین جوامع دینی تأکید دارد و به دنبال ارائه راه کارهایی برای توسعه همکاری‌های مؤثر و پایدار است. در نهایت، این مطالعه امید دارد که به درک عمیق‌تری از نقش دین در بهبود روابط انسانی و فرهنگی منجر شود.

واژه‌های کلیدی: اهل کتاب، سیره پیامبر، قرآن، نشانه‌های پیامبر

پیامبر خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم در زمانی ظهور کرد که جوامع متعددی از پیروان ادیان ابراهیمی در کنار هم زندگی می‌کردند، و از این رو رابطه ایشان با اهل کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مقاله درصدد است به سه پرسش عمده پاسخ دهد، ۱. نشانه‌های پیش‌گویی شده در متون اهل کتاب در بسیاری از متون یهودی و مسیحی، اشاره‌هایی به خصوصیات و ویژگی‌های رهبران آینده آمده است که نزد پیروان این ادیان اهمیت دارد. بررسی دقیق این نشانه‌ها و مقایسه آن‌ها با ویژگی‌های پیامبر اسلام می‌تواند به درک بهتر این روابط کمک کند و زمینه‌ساز گفتگوهای بین‌ادیانی شود. ۲. تعاملات عملی پیامبر با اهل کتاب نگاهی به تاریخ اسلام و سیره پیامبر نشان می‌دهد که ایشان در موارد متعددی با اهل کتاب از جمله یهودیان و مسیحیان به تعامل پرداخته‌اند. این تعاملات شامل قراردادهای، مکاتبات و مواجهه‌های مستقیم بوده است که می‌تواند الگوهایی برای روابط بین‌ادیانی در دوران معاصر ارائه دهد. ۳. دیدگاه قرآنی به این تعاملات قرآن مجید نه تنها به صورت مستقیم درباره اهل کتاب و ارتباط آنان با مسلمانان سخن گفته، بلکه بر چگونگی تعامل پیامبر با آنان نیز تأکید داشته است. فهم این دیدگاه‌ها می‌تواند به تبیین راهکارهایی برای برقراری روابط مسالمت‌آمیز بین پیروان ادیان ابراهیمی امروزه کمک کند. تحقیق پیش رو تلاش دارد تا با تحلیل جامع آیات قرآنی و متون تاریخی، تصویری روشن از نحوه تعامل پیامبر اسلام با اهل کتاب ارائه داده و به زوایای کمتر بررسی شده این موضوع از جمله چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو در بهبود روابط بین‌الثقافی بپردازد. در نتیجه‌گیری، این مقاله تأکید می‌کند که تعالیم اسلامی و سیره پیامبر می‌تواند به عنوان الگویی در تقویت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و ترویج فهم و احترام متقابل در جوامع چند فرهنگی و دینی مورد استفاده قرار گیرد. این مقاله "واکاوی نشانه‌های پیامبر نزد اهل کتاب و تعامل ایشان با اهل کتاب از منظر قرآن" به بررسی و تحلیل عمیق تعاملات پیامبر اسلام صلوٰات الله علیه با پیروان ادیان ابراهیمی و شناخت نشانه‌های پیش‌گویی شده در متون مقدس اهل کتاب می‌پردازد. این پژوهش بر آن است تا ریشه‌های تاریخی و دینی تعاملات میان این جوامع را روشن ساخته و به توسعه روابط بین‌ادیانی در دنیای امروز کمک نماید. اهل کتاب به عنوان گروه‌هایی که دارای کتاب‌های مقدس و پیامبران مشترک هستند، همواره در تاریخ اسلام جایگاه خاصی داشته‌اند. قرآن کریم با احترام و تأکید بر جایگاه آنان، برای پیروان اسلام راهکارهایی جهت تعامل مثبت و سازنده ارائه می‌دهد. این مقاله قصد دارد تا با تحلیل آیات قرآنی و بررسی متون یهودی و مسیحی، فهمی جامع از این تعاملات ارائه داده و نشان دهد که چگونه پیامبر اسلام صلوٰات الله علیه با اهل کتاب برخورد کرده‌اند. از مهم‌ترین مسائلی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود، بررسی نشانه‌های پیامبر اسلام صلوٰات الله علیه در متون اهل کتاب است. این نشانه‌ها می‌توانند به عنوان پلی برای تقارب و گفتگوهای بیشتر میان ادیان مختلف به کار روند. علاوه بر این، مقاله به تحلیل روش‌های پیامبر در برقراری روابط میان فرهنگی و دینی، براساس نقاط مشترک و احترام متقابل، می‌پردازد. پژوهش حاضر هم‌چنین واکنش پیامبر صلوٰات الله علیه به تحریف‌های صورت گرفته در متون مقدس اهل کتاب و نقش ایشان در هدایت جامعه به سوی وحدت و یگانگی زیر سایه توحید را بررسی می‌کند. این مسئله به‌ویژه در جهان کنونی، که جوامع با چالش‌های همزیستی و تعامل میان فرهنگی روبه‌رو هستند، اهمیت دارد. در نتیجه‌گیری، این مقاله تلاش دارد تا اهمیت تاریخی و معاصر تعاملات بین‌ادیانی را بر مبنای آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی برجسته سازد. امید است که با مطالعه این پژوهش، گامی مؤثر در جهت ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز و ترویج فهم و احترام متقابل میان پیروان ادیان ابراهیمی برداشته شود.

مفهوم شناسی

یکی از اصطلاحات قرآنی واژه‌ی اهل کتاب است، اهل در لغت به معنای اهل بیت، اهل آن، اهل بیت مرد، (فیروز آبادی، تاج العروس، ج ۱۴، ص ۳۶؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۲۲۰) اهل بیت: اهل آن و اهل اسلام، کسانی که از آن پیروی می‌کنند،

(اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۴، ص ۶۳، ابن فارس، مقایس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۰)؛ طریحی در مجمع البحرین ذیل ماده اهل می نویسد: اهل هر پیامبری امت او هستند اهل الاسلام کسانی هستند که به آن معتقدند.

اهل کتاب اصطلاحی است قرآنی و منظور از آن پیروان مذاهب و ادیانی است که پیامبر آنان دارای کتاب بوده است که از سوی خداوند برای هدایت انسان‌ها به او وحی شده است.

واژه‌های اهل در قرآن: اهل الکتاب: (بقره: ۱۰۵)؛ اهل الانجیل: (مائده: ۴۷)؛ اهل القری: (حشر: ۷)؛ اهل المدینه: (توبه: ۱۰۱).

اهل کتاب چه کسانی هستند؟

درقرآن کریم اصطلاح اهل کتاب، بارها تکرار شده است. منتها مراد از آن در همه موارد جز یهود و گاهی یهود و نصاری نیست. البته در اصطلاح علمای اسلامی بر مسیحیان، یهودیان، مجوسیان و صابئین نیز اطلاق می‌شود. در واقع مبنا و اصول بنیادی در اهل کتاب بودن، یکتا پرستی، یعنی همان خداپرستی و ایمان به روز جزا می‌باشد.

۱. در بعضی آیات به یهودیان و مسیحیان اشاره شده است:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ «ای اهل کتاب، چرا در آیین ابراهیم با یکدیگر مجادله می‌کنید؟ در صورتی که تورات و انجیل شما فرستاده نشد مگر بعد از ابراهیم؛ آیا تعقل نمی‌کنید؟».

(آل عمران: ۶۵)

۲. در بعضی آیات این سخن روشن تر است:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُتِّمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ»؛ «بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آن که به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید». (مائده: ۶۸)

۳. مجوس: در قرآن از دین زرتشت به نام مجوس یاد شده است خداوند در آیه ۱۷ سوره مبارکه حج در کنار ادیان آسمانی از دین زرتشت نام برده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِّينَ وَالتَّصَارِي وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»؛ «همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که یهودی‌اند و صابئان و نصاری و مجوس و کسانی که شرک ورزیده‌اند، حتماً خدا روز قیامت میانشان داوری می‌کند، بی‌تردید خدا بر همه چیز گواه است». در من لا یحضره الفقیه به سند صحیح نقل می‌کند پیامبر، خالد بن ولید را به سوی بحرین فرستاد، دیه‌ی برخی از یهود و مسیحی و مجوس به عهده‌اش آمد در نامه‌ای به پیامبر نوشت، دیه‌ی یهود و مسیحیان را پرداختم و نسبت به دماء مجوس پیمانی از طرف شما به من نرسیده است پیامبر در پاسخ نوشت: دیه‌ی مجوس مانند دیه‌ی یهود و نصاری می‌باشد. در المیزان جلد ۱۴ صفحه ۳۵۸ چنین آمده است: و منظور از "مجوس" قوم معروفی هستند که به زرتشت گرویده، کتاب مقدسشان "اوستا" نام دارد. چیزی که هست تاریخ حیات زرتشت و زمان ظهور او بسیار مبهم است، به طوری که می‌توان گفت به کلی منقطع است. این قوم کتاب مقدس خود را در داستان استیلای اسکندر بر ایران به کلی از دست دادند، و حتی یک نسخه از آن ندارند، تا آن که در زمان ملوک ساسانی مجدداً به رشته تحریر در آمد، و به همین جهت ممکن نیست بر واقعیت مذهب ایشان وقوف یافت. آن چه مسلم است، مجوسیان معتقد هستند که برای تدبیر عالم دو مبدأ است، یکی مبدأ خیر، و دیگری مبدأ شر، اولی نامش "یزدان" و دومی "اهریمن" و یا اولی "نور"، و دومی "ظلمت" است. و نیز مسلم است که ایشان ملائکه را مقدس دانسته، بدون

این که مانند بت پرستان برای آن‌ها بتی درست کنند، به آن‌ها توسل و تقرب می‌جویند. شهید مطهری در کتاب عدل الهی می‌نویسد: دوگانه‌پرستی در ایران قدیم و اعتقاد ایرانیان به (اهورامزدا) و (اهریمن) که بعدها با تعبیر یزدان و اهریمن بیان شده است به روشنی معلوم نیست آیا آیین زرتشت در اصل آیین توحیدی بوده است یا آیین دوگانگی و اوستای موجود این ابهام را برطرف نمی‌کند، زیرا قسمت‌های مختلف این کتاب تفاوت فاحشی بر یکدیگر دارد بخش (وندیداد) آن صراحت درثنویت دارد ولی از بخش از بخش گاتاها چندان دوگانگی فهمیده نمی‌شود بلکه برحسب ادعای برخی از محققین از این بخش یگانه پرستی استنباط می‌شود. عبدالله جوادی آملی در درس خارج فقه (۱۴۰۰/۱۱/۹) بیان می‌کند: از ظاهر قرآن برمی‌آید که این‌ها جزء مشرکین نیستند و استناد به سوره مبارکه حج می‌کنند که از آیه مبارکه معلوم می‌شود که مجوس مشرک نیستند که آتش پرست و امثال ذلک باشند مرحوم صاحب جواهر بیان می‌فرماید: که این‌ها پیامبری داشتند که پیامبرشان را کشتند این طور نیست که این‌ها آتش پرست باشند، البته ممکن است که پیروان پیامبری، انحرافاتی داشته باشند نظیر یهودی‌ها و مسیحی‌ها.

۴. صائبان: صابی ظاهراً از ریشه "صب" گرفته شده که در عربی ریختن آب است. در اصطلاح صابئین، فرقه‌های دینی هستند که مستقل از دیگران به شمار می‌آمده‌اند و دارای آیین و رسوم و آداب خاصی بوده‌اند، «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ «مسلمانان کسانی که ایمان آوردند، و یهودی‌ها و نصرانی‌ها و صابی‌ها هر کدامشان به خدا و روز قیامت ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند». (بقره: ۶۲)

نشانه‌های پیامبر نزد اهل کتاب

یکی از نکات کلیدی که قرآن به آن اشاره می‌کند، شناخت پیامبر اسلام توسط اهل کتاب است. در این زمینه آیات متعددی بر وضوح و صراحت نشانه‌های پیامبر در متون مقدس یهودی و مسیحی تأکید می‌کنند. این موضوع می‌تواند نشانه‌ای از اشتراکات عمیق‌تر بین ادیان ابراهیمی باشد که با بازشناسی و بررسی آن‌ها، امکان گفتگو و هم‌فکری میان پیروان این ادیان فراهم می‌آید.

سوره بقره آیه ۱۴۶: «الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ «اهل کتاب، پیامبر اسلام را می‌شناسند، به گونه‌ای که پسران خود را می‌شناسند؛ و مسلماً گروهی از آنان حق را در حالی که می‌دانند، پنهان می‌دارند». نکات مهمی که از این آیه بدست می‌آید: ۱. سکونت اهل کتاب در حجاز دلایل خاصی دارد، آن‌ها براساس کتاب دینی‌شان دانسته بودند که به زودی در این مکان پیامبر جدیدی ظهور می‌کند و بدین سبب به این سرزمین مهاجرت کردند و آن‌ها نسبت به پیامبر شناخت داشتند لذا خصلت‌هایی را که پیامبر داشت در همان زمینه مبارزه می‌کردند. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «یهود در کتاب مقدس خود خوانده بود که محل هجرت حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم منطقه‌ای بین کوه عیر واحد است، آنان به جست‌وجوی این دو کوه پرداختند و پس از یافتن آن، در آن‌جا ساکن شدند. (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۰۹) ۲. شناخت دقیق عالمان اهل کتاب از پیامبر، همانند شناختن فرزندان خویش «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ». ۳. ایمان آوردن گروهی از آنان به پیامبر، «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ»؛ (نساء: ۵۵) ۴. آگاهی اهل کتاب به مطابقت ویژگی‌های پیامبر موعود در کتاب‌هایشان بر پیامبر اکرم: «أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ «آیا این خود آیت و برهان روشنی نیست که علماء بنی اسرائیل (از کتب انبیاء سلف) بر این قرآن آگاهند؟». (شعراء:

۱۹۷) ۵. کتمان نبوت و نشانه‌های پیامبر از سوی گروهی از اهل کتاب «وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ «کتمان و مخالفت با پیامبر منشأ آن حسادت آن‌ها بر پیامبر است». (بقره: ۱۴۶) «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»؛ «بلکه حسد می‌ورزند با مردم (یعنی پیامبر و مسلمین) چون آن‌ها را خدا به فضل خود برخوردار نمود. که البته ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آن‌ها ملک و سلطنتی بزرگ عطا کردیم». (نساء: ۵۴) پیامبر در خصوص انکار رسالت ایشان از طرف اهل کتاب به ویژه یهودیان می‌فرماید: «لَوْ آمَنَ بِي عَشْرَةٌ مِنَ الْيَهُودِ لَأَمَنَ بِي الْيَهُودُ»؛ «اگر ده تن از یهودیان به من ایمان آورده بودند همه‌ی یهودیان به من ایمان می‌آوردند». (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۵۰).

نشانه‌های پیامبر در انجیل

۱. انجیل یوحنا باب ۱۶ حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم را بیان‌کننده‌ی عموم راه‌های هدایت معرفی کرده و می‌گوید: بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم لیکن اکنون طاقت تحمل آن‌ها را ندارید ولی چون او، یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد، زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آن‌چه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد.

۲. فصل ۹۷ انجیل برنابا: خدا فرمود: صبر کن ای محمد زیرا که برای تو می‌خواهم خلق کنم بهشت و جهان و بسیاری از خلائق را که می‌بخشم آن‌ها را به تو حتی این‌که هر که تو را مبارک می‌شمارد مبارک می‌شود و هر که با تو خصومت کند ملعون می‌شود وقتی تو را به سوی جهان می‌فرستم، پیغمبر خود قرار می‌دهم به جهت خلاصی و کلمه تو صادق می‌شود حتی این‌که آسمان و زمین ضعیف می‌شود ولیکن دین تو هرگز ضعیف نمی‌شود.

۳. محمود ابن الشریف در کتاب الادیان فی القرآن صفحه ۳۱۳ به نقل از تحفه اللیب فی الرد علی اهل الصلیب صفحه ۴۲ می‌نویسد: به اتفاق همه کسانی که انجیل‌های چهارگانه را نوشته‌اند، حضرت عیسی علیه السلام موقعی که به آسمان می‌رفت به حواریون گفت: من به سوی پدر و خدایم و پدر شما و خدایتان می‌روم و شما را به پیغمبری بشارت می‌دهم که بعد از من می‌آید که نام او پارقلیط است و این اسمی است یونانی و معنی آن به عربی محمد صلی الله علیه وآله وسلم می‌باشد.

نشانه‌های پیامبر در تورات

۱. تورات سفر تثئیه باب ۱۸: نبی را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آن‌چه به او فرمایم به ایشان خواهد گفت و هر کس سخنانی که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد.

۲. تورات سفر تثئیه باب ۱: و این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل داد. او گفت: خداوند از کوه سینا آمد، از کوه سعیر طلوع کرد و از کوه فاران درخشید و با ده هزار از مقدسین و مؤمنین آمد.

این عبارت به صورت کنایه از ظهور سه پیامبر بزرگ الهی، یعنی حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم سخن می‌گوید. خداوند در سینا بر حضرت موسی تجلی یافت و در ساعیر که همان فلسطین است بر حضرت عیسی ظهور یافت و در کوه فاران در مکه بر پیامبر گرامی اسلام متجلی شد، هیچ یک از پیامبران بنی اسرائیل، کوچکترین ارتباطی با کوه فاران نداشتند.

وقتی عبدالله ابن سلام، که از علما و دانشمندان یهود بود پس از هجرت پیامبر اکرم اسلام آورد در بیان نشانه‌های پیامبر این چنین می‌گفت: شرح صفات پیامبر اسلام را در کتب پیشین مطالعه کرده بودم وقتی او را دیدم مشخصات آن حضرت برای من زنده و روشن و ترسیم شده بود که گویا من پیغمبر اسلام را از فرزندم بهتر می‌شناسم. پاسخ امام رضا علیه السلام به راس الجالوت در خصوص نبوت رسول گرامی اسلام: ایشان از امام رضا علیه السلام می‌خواهند که از تورات و انجیل پیامبر را اثبات کنند. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: در تورات آمده است که: دو سوار را می‌بینم که زمین برایشان می‌درخشد یکی از آنان سوار بر دراز گوشی است و آن دیگری سوار بر شتر، کسی که بر دراز گوش سوار است حضرت عیسی و شترسوار حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم است. در انجیل آمده است: پسر زن نیکوکار می‌رود و فارقلیطا بعد از او خواهد آمد و او کسی است که سنگینی‌ها و سختی‌ها را آسان کرده و همه چیز را برایتان تفسیر می‌کند و همان‌طور که من برای او شهادت می‌دهم، او نیز برای من شهادت می‌دهد. من امثال را برای شما آوردم و او تاویل برایتان خواهد آورد. (صدوق، عیون اخبار الرضا، ص ۴۲۸).

پاسخ امام رضا علیه السلام به جاثلیق در خصوص نبوت پیامبر از تورات و انجیل

در انجیل آمده است که یوحنا دیلیمی گفت: مسیح مرا به دین محمد عربی آگاه کرد و مژده داد که بعد از او خواهد آمد و من نیز به حواریون مژده دادم و آن‌ها به او ایمان آوردند هم‌چنین عیسی در انجیل گفته است: من به سوی خدای شما و خدای خودم خواهم رفت و فارقلیطا خواهد آمد. (صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۵۷) با توجه به مطالبی که بیان شد از منظر قرآن کریم اهل کتاب به دو گروه تقسیم می‌گردند: ۱. گروهی که دین را تبدیل به ابزار دستیابی به اهداف و اغراض دنیوی خود نموده‌اند، لذا به تحریف دین دست زده، فقط قسمت‌هایی از آن را پذیرفته‌اند که اهداف دنیایی آن‌ها را برآورده نماید. بعضی از اقدامات آن‌ها:

الف: اعراض از پذیرش حق: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ»؛ ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر شوید و حال آن‌که شما به صدق آن گواهیید؟». (آل عمران: ۷۰)

ب: ایجاد تفرقه در بین مسلمانان: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»؛ بگو ای اهل کتاب، چرا اهل ایمان را از راه خدا باز می‌دارید و اهل ایمان را به راه باطل می‌خوانید در صورتی که آگاهید؟! و خدا از کردار شما غافل نیست». (آل عمران: ۹۹)

۲. کسانی هستند که از روی ایمان و اخلاص به دین گرویده جز رضای خداوند را نمی‌جویند قرآن کریم، همواره نیکوکاران اهل کتاب را می‌ستاید و آنان را نزد خداوند مأجور می‌شمارد، بعضی از ویژگی‌های آنان:

الف: رسوخ در علم: بعضی از اهل کتاب راسخ در علم و مومن خوانده شده‌اند که با کثرت اندیشی به قرآن نیز ایمان داشتند هم-چنین به روز قیامت و اقامه نماز و دادن زکات: «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ لیکن کسانی که در علم قدمی ثابت دارند و به آن‌چه بر تو و پیغمبران پیش از تو نازل شده می‌گروند و به ویژه مؤمنان دیگر آنان که نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند، به زودی خدا آنان را اجر و ثواب عظیم عطا خواهد کرد». (نساء: ۱۶۲)

ب: دین باوری در میان آنان:

«لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ»؛ همه اهل کتاب یکسان نیستند، طایفه‌ای از آن‌ها معتدل و به راه راست‌اند، در دل شب به تلاوت آیات خدا و نماز و طاعت حق مشغولند». (آل عمران: ۱۱۳)

سیره‌ی پیامبر در برخورد با اهل کتاب

سیره پیامبر همان سیره قرآن است پیامبر باید به اهل کتاب اعلام کند که از سوی خدا مامور است که فقط به پرستش دعوت کند و شریکی برای او قائل نشود و در مرحله اول: همزیستی مسالمت‌آمیز: قرآن کریم اصل را بر زندگی صلح آمیز گذاشته است در سوره انفال آیه ۶۱ می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ «و اگر به صلح گرایند، تو نیز به صلح گرای و بر خدا توکل کن. ابزارهای مهم تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز ۱: دعوت به امور مشترک است که قرآن با لحنی بسیار نرم و همدلانه، اهل کتاب را به همزیستی و توافق در اصول مشترک دعوت می‌کند و مبنای آن را یگانگی خدا و خدایی نگرفتن دیگران مطرح می‌کند و طرح جامع مشترکی را بنیان می‌نهد، سوره آل عمران آیه ۶۴: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ «بگو: ای اهل کتاب، بیاپید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند بگوئید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم». در این آیه سخن در یگانه بودن معبود است و "کلمه" را به پرستش نکردن جز خدا و دوری از شرک بیان می‌کند. یکی از راهکارهای قرآن در تعامل با اهل کتاب تکیه بر مشترکات دینی است در آیه ۴۶ سوره عنکبوت می‌فرماید: «وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمُ وَالْهَذَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛ «و (با اهل کتاب) بگوئید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم». وجه مشترک همه‌ی ادیان پرستش خدای یگانه است. آیات قرآن از اهل کتاب می‌خواهد بر سر اصول مشترک توافق و همکاری داشته باشند، محور یگانه پرستی یکی از اصول مشترک است که قرآن کریم به آن توجه دارد؛ سوره سبا آیه ۴۶ می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ»؛ «بگو! شما را به یک چیز اندرز می‌دهم: دو دو و یک یک برای خدا قیام کنید». در این آیات سه نکته مطرح است: دعوت به وجوه اشتراک، پرهیز از وجوه افتراق، وحدت کلمه. خداوند از اهل کتاب می‌خواهد در زیر چتر واحد و مشترک آسمانی یعنی توحید جمع شده و به همزیستی خود با مسلمانان ادامه دهند لذا سیره‌ی عملی پیامبر در انعقاد پیمان‌های صلح و عدم تعرض با گروه‌های مختلف اهل کتاب، حکایت از روحیه‌ی صلح‌طلبی اسلام و ضرورت همزیستی مسالمت‌آمیز دارد. (فرزانه پور، بخشایشی زاده، "تساهل و مدارا در قرآن"، نشریه: اندیشه نوین دینی، شماره ۲۵، ۱۳۹۱) پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم در مقابل بد رفتاری یهود صبور بود و از خطای آنان چشم می‌پوشید و آنان را با مسلمانان برابر می‌گرفت و به آداب و رسوم دینی و مکان‌های متعلق به یهودیان احترام می‌گذاشت. (سبحانی، منشور جاوید، ج ۶، ص ۲۹۵) پیامبر اکرم می‌فرماید: «أَمَرْتُ بِمَدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ»؛ «من به مدارای با مردم مامورم چنان‌که به تبلیغ رسالت مامورم». (ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۱۰۴) ۲: حقانیت انبیای گذشته: در سوره بقره آیه ۱۳۶ می‌فرماید: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛ «شما مردم مؤمن از روی حقیقت اقرار کنید و بگوئید: ما به خدا و آنچه به سوی ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [ادارای مقام نبوت] آنان فرود آمده، و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم؛ میان هیچ یک از آنان [در این‌که از سوی خدا برای هدایت مردم مبعوث شده‌اند] فرقی نمی‌گذاریم، و ما در برابر او تسلیم هستیم». ۳: پذیرش معاد: در سوره بقره آیه ۱۱۱ می‌فرماید: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ «و گفتند: هرگز کسی وارد

بهشت نمی‌شود مگر آن که یهودی یا نصرانی باشد، این دروغ‌ها و اباطیل آنان است، بگو: اگر راستگوئید دلیل و برهان خود را بیاورید». مرحله دوم: شیوهی برخورد با آنان و نحوه‌ی گفتگو با ادیان را مطرح می‌کند در واقع معاشرت نیکو با اهل کتاب را بیان می‌کند، سوره عنکبوت آیه ۴۶: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ»؛ «و شما مسلمانان با اهل کتاب جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستمکاران از آن‌ها، جدال احسن که به معنای مجادله‌ی نیکو». کاوش طرفینی برای یافتن و کشف حق است، از موضوعاتی است که قرآن کریم در آیات متعدد به آن تشویق و ترغیب کرده و آن را شیوه‌ی برخورد با مخالفان و منکران رسالت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شمرده است از جمله: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ «با اهل کتاب جز به روشی که نیکوتر است مجادله نکنید». تعبیر به احسن؛ تعبیر جامعی است که تمام روش‌های صحیح و مناسب مناظره و مباحث را شامل می‌شود چه در الفاظ و چه در محتوای سخن و چه در آهنگ گفتار و چه در حرکات دیگر. (زمخشری، تفسیر کشاف، ص ۸۲۰) مجادله وقتی نیکو به شمار می‌رود، که با درشت‌خویی و طعنه و اهانت همراه نباشد، پس یکی از خوبی‌های مجادله این است که: با نرمی و سازش همراه باشد، و خصم را اذیت نکند که در این صورت مجادله دارای حسن و نیکی است، یکی دیگر این که شخص مجادله کننده از نظر فکر با طرفش نزدیک باشد، به این معنا که هر دو علاقه‌مند به روشن شدن حق باشند، و در نتیجه هر دو با کمک یکدیگر حق را روشن سازند، و لجاجت و عناد به خرج ندهند، پس وقتی این شرط با شرط اول جمع شد، حُسن و نیکویی مجادله دو برابر می‌شود، آن وقت است که می‌توان گفت این مجادله بهترین مجادله‌ها است. و به همین جهت وقتی مؤمنین را نهی می‌کند از مجادله با اهل کتاب، مگر آن مجادله که احسن و بهترین طرق مجادله باشد، از اهل کتاب جمعی را استثناء می‌کند، و می‌فرماید مگر آن عده از اهل کتاب را که ستم کردند. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۳۷) پیامبر در حدیثی فرمود: «لَا تُصَدِّقُوا أَهْلَ الْكِتَابِ وَلَا تُكَذِّبُوهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِكُتُبِهِ وَبِرُسُلِهِ فَإِنْ قَالُوا بِاطْلَالٍ لَمْ تُصَدِّقُوهُمْ وَإِنْ قَالُوا حَقًّا لَمْ تُكَذِّبُوهُمْ مُطِيعُونَ لَهُ خَاصَّةً»؛ «اهل کتاب را نه تصدیق کنید و نه تکذیب، بلکه در برابر آن‌ها بگویید: ما به خدا و کتاب‌ها و پیامبرانی که فرستاده است، ایمان داریم». (مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۲۳۸) نمونه‌هایی از تعاملات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با قبایل یهودی وجود دارد که در آن‌ها، ارزش‌های اسلامی را ترویج می‌کردند. پیامبر معاهدات صلح و احترام متقابل را اجرا کردند که به زندگی مسالمت‌آمیز در بین گروه‌های مختلف انجامید. روزی فردی یهودی پرسید چرا شما هنگام ولادت، مثل عیسی علیه السلام سخن نگفتید پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بدون برآشتن فرمود: آن‌جا ساحت مقدس حضرت مریم علیها السلام در مظان اتهام بود. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ص ۷۹) پیامبر اکرم در نامه به هرقل، پادشاه روم، پس از دعوت آنان به اسلام با احترام، «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ «بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند بگویید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم». (آل عمران: ۶۴) را یادآور شده و از آنان خواسته است به سوی کلمه‌ای روی آورند که میان مسلمانان و آنان مشترک است. (امین. سیره معصومان، ص ۶۷) مرحله سوم: خداوند به پیامبر می‌آموزد که چگونه افتراءها و تهمت‌های اهل کتاب را پاسخ دهد، زیرا اهل کتاب تصور می‌کردند که حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم آن‌چه را بر زبان جاری می‌سازد از دانشمندانی که با کتب پیشینیان آن‌ها آشنا هستند فرا می‌گیرد. پیامبر اکرم صبورانه روشنگری می‌کند و از آنان دعوت به تفکر و تعقل در سرگذشت پیشینیان اهل کتاب می‌کند. در سوره بقره آیه ۷۲ می‌فرماید: «و إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ»؛ «و (یاد کنید) هنگامی که کسی را کشتید و درباره (قاتل) او به نزاع و ستیز

برخاستید؛ و خدا آشکارکننده چیزی است که پنهان می‌داشتید». مرحله چهارم: خداوند پیامبر را از هر گونه سازش‌کاری و تبعیت از خواسته‌های اهل کتاب منع می‌کند. «وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبٍ»؛ «و آنان که ما بر آن‌ها کتاب فرستادیم (یعنی مؤمنان اهل کتاب و مسلمانان) به این (کتاب با عظمت قرآن) که بر تو نازل شد بسیار خوش‌وقتند، و جماعتی از آن‌ها (مانند کفار اهل کتاب و قریش) برخی آیات را انکار می‌کنند. بگو: من مأمورم که خدای یکتا را پرستم و هرگز به او شرک نیاورم، به سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست». مرحله پنجم: خداوند پیامبر را در برابر مکرها و حیل‌های کفار دلداری می‌دهد با بیان این نکته که امت‌های سابق نیز با پیامبر خود مکر و حیل کرده‌اند». (رعد: ۳۶) «وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عَقَبَى الدَّارُ»؛ «و پیش از اینان هم بسیاری کافران مکرها کردند که همه مکر و تدبیرها نزد خداست، او می‌داند هر کس به چه کار و اندیشه است، و کافران به زودی خواهند یافت که عاقبت خوش و منزل سعادت برای کیست». (رعد: ۴۲)

نتیجه‌گیری

تحقیق پیرامون نشانه‌های پیامبر اسلام نزد اهل کتاب و تعامل ایشان با پیروان ادیان ابراهیمی، همان‌طور که در قرآن و سایر متون مقدس آمده است، به درکی ژرف از چگونگی و اهمیت این ارتباطات منتهی می‌شود. تحلیل‌های صورت‌گرفته در این مقاله نشان می‌دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها به عنوان خاتم‌الأنبیاء در متون مقدس یهودی و مسیحی شناخته شده، بلکه این شناخت، پایه‌های تعاملات فرهنگی و دینی را میان مسلمانان و اهل کتاب تقویت کرده است. یکی از محورهای اصلی این مطالعه، بررسی نشانه‌های پیامبر در متون اهل کتاب بوده است. این نشانه‌ها، هم‌چون اشاراتی در کتاب عهدین، نه تنها تأییدگر مقام نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، بلکه راهکاری برای شناخت و درک متقابل بین ادیان مختلف ارائه می‌دهند. این شناخت‌های مشترک می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای گسترش گفتگوهای بین‌ادیانی و ایجاد فضایی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز به کار روند. از سوی دیگر، تعالیم و سیره پیامبر نشان از رویکردی متعادل و سازنده در برخورد با اهل کتاب دارد. تأکید بر مکالمه‌های مثبت، احترام به مشترکات دینی، و تجلیل از پیامبران گذشته، همگی نشان از راهبردهای عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای ایجاد جامعه‌ای هماهنگ و متحد دارد. این مطالعه هم‌چنین به چالش‌هایی می‌پردازد که در طول تاریخ در تعاملات بین ادیان پیش آمده و پیشنهاد می‌کند که با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی، می‌توان به راهکارهایی دست یافت که نه تنها به تعمیق روابط کمک کند، بلکه به روش‌های جدیدی برای حل این چالش‌ها دست یابند. در نهایت، امیدواریم که این مقاله به عنوان کارزاری در راه شناخت بیشتر و بهتر اهل کتاب و اهمیت تعاملات فرهنگی و دینی میان جوامع ایفای نقش کند، و به نسل‌های آینده الهام بخشد که پیوسته به دنبال تقویت پیوندهای انسانی و دینی باشند. با تقویت این هم‌زیستی، راه برای فهم بهتر و هم‌گرایی بین‌الادیانی باز خواهد شد، که هدفی ارزشمند و آرمانی برای جامعه جهانی امروز به شمار می‌رود.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، (مترجم: محمدصادق حسن زاده)، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۲۹۷ ق.
۲. امین، محسن، **سیره معصومان**، (مترجم: علی حجتی کرمانی، حسین وجدانی)، تهران: سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۳. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغه**، (مترجم: حامد عبدالکریم)، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۴. ابن عباد، اسماعیل، **المحیط فی اللغه**، (مترجم: محمدحسن آل یاسین)، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن فارس، احمد، **مقاییس اللغه**، (مترجم: عبدالسلام محمد)، قم: مکتب الإعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۶. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۲۴ ش.
۷. زمخشری، محمود بن عمر، **تفسیر کشاف**، (مترجم: مسعود انصاری)، تهران: ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ش.
۸. سبحانی، جعفر، **منشور جاوید**، قم: انتشارات امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۳ ش.
۹. صدوق، محمد بن علی، **من لایحضره الفقیه**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. _____، **عیون اخبار الرضا**، (مترجم: محمدصالح روغنی)، قم: کتاب جمکران، چاپ سوم، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، (مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی)، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ق.
۱۲. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، **تاج العروس**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول الکافی**، (مترجم: علی اکبر غفاری)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.

مقاله

۱۵. فرزانه پور، حسین، بخشایشی زاده، محمد، **"تساهل و مدارا در قرآن"**، نشریه: اندیشه نوین دینی، شماره ۲۵، ۱۳۹۱.